



پایه دوم، شماره ۱

علوی

گنجینه تابستان

این قصه :

مبارزه با میکروب





خرگوش کوچولو بارها شنیده بود که «میکروب ها موجودات خطرناکی هستند. به همین دلیل تصمیم گرفت با آن ها بجنگد.

یک روز صبح زود چوبی برداشت و به راه افتاد. در راه به یک بچه گنجشک رسید. نگاهی به او کرد و گفت: «من می خواهم با میکروب ها بجنگم. تو آن ها را اینجا ندیده ای؟» گنجشک جواب داد: «این طوری که نمی شود. تو باید ... اما خرگوش کوچولو به بقیه ی حرف های او گوش نکرد.

رفت تا به بچه فیلی رسید. پرسید: تو میکروب ها را این طرف ها ندیده ای؟ من می خواهم با آن ها بجنگم.» بچه فیل گفت: اگر می خواهی با میکروب ها بجنگی، باید اول دست هایت را خوب بشویی.»



خرگوش کوچولو که از حرف های بچه فیل هم چیزی نفهمیده بود ناراحت و بی حوصله به راه افتاد. کمی بعد خسته و گرسنه زیر درختی نشست تا استراحت کند. کنارش یک هویج افتاده بود. خرگوش کوچولو تا چشمش به هویج افتاد خوش حال شد و هویج را از روی زمین برداشت و آن را با همان دست های کثیفش خورد و با خود گفت: «حالا خیلی خسته ام. فردا می آیم و با میکروب ها می جنگم ..

روز بعد، خرگوش کوچولو بیمار شد و دیگر توانست به جنگ میکروب ها برود. مادرش به او گفت: «عزیزم، اگر اول از من می پرسیدی که میکروب ها کجا هستند و چه طور می شود با آن ها جنگید، به تو می گفتم تو باید بدانی که میکروب ها در جاهای کثیف زندگی می کنند. پس برای جنگیدن با آن ها بهتر است همیشه خود را پاکیزه نگه داری و دست هایت را قبل از غذا خوردن بشویی حالا هم باید استراحت کنی تا دوباره سالم و شاداب شوی.»



فرزندم به سوالات زیر پاسخ بده.

۱. خرگوش کوچولو چرا تصمیم گرفت با میکروب‌ها بجنگد؟

..... پاسخ:

۲. خرگوش کوچولو از چه حیواناتی درباره‌ی میکروب‌ها سؤال پرسید؟

..... پاسخ:

۳. بچه فیل به خرگوش کوچولو چه توصیه‌ای کرد؟

..... پاسخ:

۴. چرا خرگوش کوچولو بیمار شد؟

..... پاسخ:

۵. مادر خرگوش کوچولو برای مبارزه با میکروب‌ها چه راهی پیشنهاد داد؟

..... پاسخ:

۶. نام دیگری برای این داستان انتخاب کن.

..... پاسخ: